

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۰ دسمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۱۹

رباعیات

—۳—

بُعدی، که میان طالع و ماه در است از مکت وسط بگاہ اکرم زیر است
بر مکت فزای اگر بود تحت الارض هر جا، که رسد دلیل طالع قمر است

صد شکر، که بخت رام خسروخان است دوران فلک به کام خسروخان است
در روی زمین سگه بخشش امروز هر جا، که روی به نام خسروخان است

داعی، که درین در به نیاز آمده است اوصاف ترا مدح تراز آمده است
هر چند نکرده خدمت لایق تو اما ز ره دور و دراز آمده است

دارم گله ای از تو و می گویم راست باری گله از دوست نمودن نه خطاست
صد عذر به خلف وعده دانم، داری تعظیم نکردنت بگو، رسم کجاست

^۱ این رباعی در نسخه ای، که توسط فیض محمد کاتب نقل شده بدین عبارت آمده است:

دارم گله از تو می گویم راست باری گله نمودن از دوست خطاست
صد عذر به خلف وعده دانم داد تعظیم نکردنت بگو رسم کجاست